

کارشناسان از نگاه امنیتی در طرح جمع آوری ضربتی کودکان کار انتقاد کردند

# کودکان کار از خیابان های شهر می ترسند

هیچ آمار دقیق و قابل اطمینانی از تعداد کودکان کار وجود ندارد ◀ فاطمه قاسم زاده: با جمع آوری و طرح های ضربتی ممکن نیست بتوانیم در کاهش کودک کار قدمی برداریم

**مریم روسستانی |** «بچه‌ها منتظر نمی‌مانند، بچه‌ها منتظر قانون و تصمیم‌گیری نیستند، بچه‌ها گوش‌شان از حرف مردم کوچه و بازار پر شده، بچه‌ها دیگه نمی‌شنوند، بچه‌ها دیگه محبت نمی‌بینند، بچه‌ها طرد می‌شوند، تحقیر می‌شوند، از دست‌مأمور و غیرمأمور کتک می‌خورند، بچه‌ها گرسنگی می‌کشند، بچه‌ها مجبورند زدی کنند، طعم سفره خانه را نمی‌چشند، محبت مادر و پدر را نمی‌بینند، بچه‌ها قوت لایموت‌شان را از داخل سطل زباله پیدا می‌کنند، زیر پل، پارک، پشت در مغازه‌ها می‌خوابند، زیر سقف ستاره‌ای و ابری و برقی آسمان، آنها بین آدم‌ها و خودروها و وسط دود با کتک و تحقیر بزرگ می‌شوند.» اینها را مدیرعامل موسسه کودکان سرزمین می‌گوید، در نهمین گفت‌وگوی اجتماعی و هفتگی «تهران امید دارد» که به مناسبت هفته کودک برگزار شده است. در این نشست که در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، «فاطمه قاسم‌زاده»، دکتری روانشناسی و عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان و مشاور موسسه مادران امروز، «روزبه کردونی»، مدیرکل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «عباس امینی» کارگردان فیلم «والد مرا»، برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره پراگ، «پویا علاءالدینی» استادیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و «زهرا باناساز» مدیرعامل موسسه کودکان سرزمین من حضور داشتند. آنها درباره کودکان کار و خیابان، مدیریت شهری و تقسیم‌بندی کار اجتماعی گفت‌وگو کردند. در این جلسه اعضای شورای شهر، هم حضور داشتند.

آنها از شرایط بچه‌ها گفتند. کودکانی که کار می‌کنند، کتک می‌خورند و زخمی می‌شوند و جای زخم برای همیشه روی تن‌شان باقی می‌ماند. بچه‌هایی که در کارگاه‌های زیرزمینی فاقد بهداشت مورد خشونت و آزار و اذیت قرار می‌گیرند، فرقی ندارد کجا، در خانه، خیابان، محل کار، هر کجا که باشند. آنها کودکان فقیرند، مهاجرند و خانواده ندارند یا با خانواده‌های معتاد زندگی می‌کنند. آنها ممکن است در اثر آسیب‌هایی که در کودکی می‌بینند در آینده رفتارهای ناهنجار داشته‌باشند.

## «والد مرا» های سرزمین من

پیش از نشست تخصصی، فیلم ۹۰ دقیقه‌ای «والد مرا» نخستین فیلم با موضوع کودکان کار و خیابان به نمایش گذاشته شد. این فیلم درباره نوجوانی ۱۵ ساله در آبادان است که به دلیل موهای فر و بلندش به «والد مرا» (بازیکن فوتبال کلمبیایی) معروف شده است. والدین او تلاش است تا از مراجع قانونی شناسنامه‌ای که تا به حال نداشته، بگیرد. او بر اثر اتفاقی مجبور به ترک آبادان می‌شود و به تهران می‌آید و دچار مسائل مختلفی می‌شود. بعد از بخش فیلم، محرم‌رضا اصلانی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فیلم می‌سازد، گفت: «ساختن این نوع فیلم بسیار مشکل است. مشکل نخست مجوز دولتی و مشکل دوم سانسور است. در واقع این دست‌فیلرها بیش از آن که بگویند، ناگفته دارند. گفته‌هایشان هم در پرده و پنهان نیست، اما ساختن این نوع فیلم و جامعه‌نشانی می‌گیرد، جامعه‌های که تاب‌شنیدن این مسائل را به‌صورت برهنه ندارد. در واقع جامعه خودش را سانسور می‌کند تا این فضا را نبیند و فراموش کند و این فراموشی را با پنهان‌سازی اخلاقیات طرح می‌کند. از طرف دیگر، این آسیب مطرح می‌شود که با بیان این مسائل و چهره کشور را در مجامع بین‌المللی خندشمار می‌کنیم. اما من می‌گویم این نباید پنهان باشد برای پنهان کردن آسیب‌های جامعه. یک واقعیت وجود دارد و آن این است که در حال حاضر از زمانی که برای قانون‌گذاری جهت حل آسیب‌های اجتماعی تلاش می‌شود، شرایط به‌مراتب بدتری را تجربه می‌کنیم.»

**فقر، هم اقتصادی، هم فرهنگی**  
یک سوال محوری با عنوان علت اصلی ایجاد و افزایش تعداد کودکان کار کدامند؟ در پلن تخصصی این نشست مطرح شد. در پاسخ به این سوال، فاطمه قاسم‌زاده علت اصلی ایجاد و افزایش تعداد کودکان کار را فقر دانست. او درباره یکی از مهمترین اتفاقات اخیر در زمینه کار کودکان گفت: «بررسی‌های انجام شده روی کودکان کار نشان داده که علت اصلی وجود این مشکل اقتصادی، فقر خانواده است.»

می‌شود که کودک به‌عنوان نیرویی که می‌تواند بخشی از هزینه‌های خانواده را تامین کند، نگاه شود. ممکن است مواردی هم دیده شود که خانواده شدت نیاز مالی نداشته باشد که کودک را مجبور به کار کند اما فقر آموزشی و فرهنگی باعث می‌شود که کودک به‌عنوان یک منبع درآمد نگاه کنند. البته به نظر من این نوع از فقر فرهنگی و آموزشی درصد بسیار کمی را شامل می‌شود.»

به گفته قاسم‌زاده آخرین جمع‌آوری کودکان کار از سطح شهر مصوبه شورای اجتماعی کشور بود. او گفت: «تعجیب در رابطه با این مسأله از شورای اجتماعی کشور است که این مصوبه را به اجرا گذاشت. این شورا دو سال پیش از سازمان‌های معتبر دولتی از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت رفاه، سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت برای بررسی آسیب‌های اجتماعی و با هدف ایجاد راهکار علمی و منطقی شکل گرفت. ۶ آسیب مطرح شد و بحث کودکان کار هم یکی از آسیب‌های بود. با توجه به این که تاکنون بیش از ۳۰ مرتبه کار جمع‌آوری کودکان کار از سطح شهر انجام شده و این جمع‌آوری‌ها هیچ نتیجه‌ای در کاهش تعداد کودکان کار در بر نداشته است، این سوال وجود دارد که چرا این امر تکرار می‌شود؟ از آنجایی که علت اصلی وجود کودک کار، فقر است، باید توجه داشت که با جمع‌آوری و ایجاد طرح ضربتی بدون برنامه‌ریزی، ممکن نیست بتوانیم در کاهش کودک کار قدمی برداریم. به‌نظر من شورای اجتماعی باید در راه کاهش این آسیب از نظرات کارشناسان، مراکز علمی و دانشگاهی، انجمن‌های جامعه‌شناسی و سازمان‌های غیردولتی هم استفاده کند.» از دیدگاه قاسم‌زاده کار کودک آسیب نیست، زیرا آسیب یک عمل مجرمانه است. «درست است که ما می‌گوییم باید کار کودک را حذف کنیم اما اگر کودک کار کند، در واقع عمل مجرمانه‌ای انجام ندهد است. وجود دو آسیب مانند کودک کار و طلاق در دسته این ۶ آسیب که شورای اجتماعی کشور در دستور کار خود قرار داده، نشان می‌دهد اشراف کافی نسبت به آسیب وجود ندارد، کما این که مشکل طلاق هم یک آسیب نیست. در واقع طلاق یک راهکار است برای

دو نفر که نمی‌توانند با هم زندگی کنند اما این راهکار ممکن است خود زمینه‌ساز آسیب باشد. بنابراین وقتی اشراف کافی نسبت به آسیب‌ها وجود نداشته باشد، طبیعتاً اشراف بر راهکارهایی که می‌تواند این آسیب‌ها را کاهش دهد هم وجود ندارد. نتیجه این امر آخرین مصوبه شورای اجتماعی کشور است که منجر به جمع‌آوری کودکان کار شد.» البته قاسم‌زاده اضافه می‌کند که جایگاه سازمان‌های غیردولتی در این شورا نه در تصمیم‌گیری که فقط در حوزه اجراست، یعنی عمل کنیم. برای مثال گفته می‌شود اگر می‌خواهیم مشکل اعتیاد یا کودکان کار را حل کنیم، در مرحله نخست باید مشکل فقر ریشه‌کن شود، مسائل هویتی و تبعیض تمام شود، حاشیه‌نشینی راحل کنید و پس از آن موفق خواهیم شد آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهیم. این رویکرد در کنترل و کاهش آسیب اجتماعی، رویکردی منسوخ‌شده به حساب می‌آید. در دنیا تجارب موفقی وجود دارد که اتفاقاً وضع اقتصادی خوبی وجود ندارد اما مداخله هدفمند، آگاهانه و مدبرانه مبتنی بر دانش دارند و موفق هم عمل کرده‌اند. در بحث کودکان کار با رویکردی مواجهیم که می‌گوید ۹۰ درصد کودکان کار در باندهای مختلف هستند. حال آیا این رویکرد ما را به سمتی می‌برد که بخواهیم حمایت اجتماعی کنیم یا رویکرد پیشگیرانه داشته‌باشیم؟

«تجربه دنیا در مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان می‌گوید دنیا در این مورد سه رویکرد را تجربه کرده است. رویکردی که کودک کار را یک تهدید به حساب می‌آورد و باید با این کودکان برخورد شود، مابهازای سیاستی این رویکرد می‌شود جمع‌آوری کودکان کار از سطح شهر و جامعه، رویکرد دوم که کمی مترقی‌تر به نظر می‌رسد، می‌گوید کودکان کار قربانیان فرایند توسعه هستند، پس باید حقوق‌شان را از مسکن و آموزش در دریافت کنند. رویکرد سومی که راه‌آه کنونی

در شهر تهران از مرداد مصوب شد و تاکنون ما درگیر آن هستیم بررسی، ارزیابی و مستند شود که چرا و به چه دلیل و چگونه اجرا شد و اثرات آن چه بود؟ با مستند شدن این دو ماه ما به پاسخ روشنی می‌رسیم از این که چرا در حل، کنترل و کاهش پدیده‌های اینچنینی ناموفق عمل می‌کنیم.» کردونی در ادامه افزود: در مواجهه با مسائل اجتماعی عمومی‌درو رویکرد وجود دارد؛ نخست این که گفته می‌شود باید همه شرایط برای آن فراهم باشد تا بتوانیم در مداخله موفق عمل کنیم. برای مثال گفته می‌شود اگر می‌خواهیم مشکل اعتیاد یا کودکان کار را حل کنیم، در مرحله نخست باید مشکل فقر ریشه‌کن شود، مسائل هویتی و تبعیض تمام شود، حاشیه‌نشینی راحل کنید و پس از آن موفق خواهیم شد آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهیم. این رویکرد در کنترل و کاهش آسیب اجتماعی، رویکردی منسوخ‌شده به حساب می‌آید. در دنیا تجارب موفقی وجود دارد که اتفاقاً وضع اقتصادی خوبی وجود ندارد اما مداخله هدفمند، آگاهانه و مدبرانه مبتنی بر دانش دارند و موفق هم عمل کرده‌اند. در بحث کودکان کار با رویکردی مواجهیم که می‌گوید ۹۰ درصد کودکان کار در باندهای مختلف هستند. حال آیا این رویکرد ما را به سمتی می‌برد که بخواهیم حمایت اجتماعی کنیم یا رویکرد پیشگیرانه داشته‌باشیم؟

**دو سال پیش در شورای اجتماعی کشور ۶ آسیب مطرح شد و بحث کودکان کار هم یکی از آسیب‌ها بود. با توجه به این که تاکنون بیش از ۳۰ مرتبه کار جمع‌آوری کودکان کار از سطح شهر انجام شده و این جمع‌آوری‌ها هیچ نتیجه‌ای در کاهش تعداد کودکان کار در بر نداشته است، این سوال وجود دارد که چرا این امر تکرار می‌شود**

می‌برد که بخواهیم حمایت اجتماعی کنیم یا رویکرد پیشگیرانه داشته‌باشیم؟  
«تجربه دنیا در مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان می‌گوید دنیا در این مورد سه رویکرد را تجربه کرده است. رویکردی که کودک کار را یک تهدید به حساب می‌آورد و باید با این کودکان برخورد شود، مابهازای سیاستی این رویکرد می‌شود جمع‌آوری کودکان کار از سطح شهر و جامعه، رویکرد دوم که کمی مترقی‌تر به نظر می‌رسد، می‌گوید کودکان کار قربانیان فرایند توسعه هستند، پس باید حقوق‌شان را از مسکن و آموزش در دریافت کنند. رویکرد سومی که راه‌آه کنونی



در دنیا متداول است این که کودکان کار، شهروندانی هستند که حقوق شهروندی‌شان مورد تجاوز قرار گرفته و جامعه موظف است حقوق شهروندی‌شان را به آنها عطا کند. این یعنی همان مطالبی که رهبر انقلاب در نشست با مسئولان گفتند که آسیب‌دیدگان است کمک کند به فردی که شغل ندارد، از اجتماع کنار نرود، این‌جانب سیاست اجتماعی نمی‌تواند کار را به درستی انجام دهد تا نیروی کار باز تولید شود و دوباره به کار برسد.»

علاءالدینی در پایان صحبت‌هایش از پیشنهاد کردونی، مبنی بر مستند کردن آخرین عملیات صورت گرفته در مورد کودکان کار استقبال کرد: «در پایان هم در حمایت از پیشنهاد دکتر کردونی باید بگویم که ما اطلاعات بسیار کمی داریم، باید از مسائل موجود یک سری گزارش وجود داشته باشد که در مورد آن بحث شود، و گرنه فقط جلسه داشتن و حرف زدن هیچ مسأله‌ای را حل نمی‌کند. نیاز مادر مرحله نخست به توجه به آمار و ارقام شناخت وضع است. مرحله دوم ارزیابی فعالیت‌های آسیب است که انجام می‌شود و برای مسأله کودکان کار، همین اقدام دو ماه گذشته باید مستند بررسی شود.»

در پایان جلسه، الهام فخاری، عضو شورای شهر تهران، زمان را برای بررسی این امر کافی ندانست و گفت: «برای تصمیم‌گیری در مورد کودکان کار و خیابان فراموش نکنیم که بیشترین این کودکان خانواده دارند و کودک یک موجود زنده است و ما نمی‌توانیم به‌مثابه یک شیئی با او برخورد کنیم، برای او تصمیم بگیریم و برنامه‌ریزی کنیم، حرف آنها را خانواده در نظر بگیریم، این مسأله کمک می‌کند که از دید آنها هم به قضیه نگاه کنیم، حرف آنها را هم بشنویم، تا بتوانیم به راهکاری برسیم که آسیب را کم کند و فرصت رشد و زیست سالم شهری را برای آنها فراهم آورد، حتی اگر تهدیدست باشند. یادمان باشد فقر بهانه خوبی برای کاستن از کیفیت زندگی آدم‌ها نیست. در جلسات آینده به این موضوع مفصل‌تر پرداخته خواهد شد و موضوع محوری جلسه آینده در مورد این خواهد بود که چرا سیاست‌های ما در بحث کنترل و کاهش آسیب کافی نیست؟»

**آمارها چه می‌گویند؟**  
پویا علاءالدینی اما معتقد است آمارهای تعداد کودکان کار طی سال‌های گذشته وجود نداشته و کنترل و مدرک نمی‌توان رأی صادر کرد که آیا

این تعداد افزایش پیدا کرده است یا نه. او همه چیز را وابسته به نوع نگاه به مسأله بیان کرد: «در مورد ریشه افزایش کار کودکان، این مسأله که کار کودکان افزایش پیدا کرده خودش یک سوال است که من فکر نمی‌کنم این گونه باشد. این مسأله بستگی دارد به این که چگونه به مسأله نگاه شود. در جوامع سنتی طبیعتاً کودکان کار می‌کردند و بر این اساس من فکر نمی‌کنم افزایش آنچنانی رخ داده باشد، مگر این که ۸ سال گذشته را در نظر بگیریم و بگوییم ما طی این ۸ سال شاهد افزایش تعداد کودکانی که در خیابان هستند بودیم. در هر صورت هیچ آمار درستی از این مسأله وجود ندارد. این بحث که تعداد کودکان کار رو به افزایش است، بحث تأثیرگذاری روی مسئولان است اما اصل قضیه به نظر من درست نیست. مگر این که مسأله به شکی دیگر بیان شود که منظور اصلی چیست. این نه من چون آمار ندارم نمی‌توانم در مورد این مسأله نظری بدهم و به نظر من فقط شکل کار تغییر کرده و در اثر شهرنشینی کار کودکان نمود بیشتری پیدا کرده است. همین‌طور وضع قوانین برای کار نکردن کودکان باعث شده دیدمان نسبت به این مسأله تغییر کند. اما اتفاق دیگری که افتاده، ما کودکان خیابان را می‌بینیم، در حالی که نمی‌خواهیم مسأله کودکان کار و خیابان وجود داشته باشد یا حداقل تهدیدهایی که برای‌شان وجود دارد، کاهش پیدا کند. فقر به‌عنوان یکی از علل اصلی وجود این مسأله مطرح شد. به‌نظر من یکی دیگر از دلایل اصلی این آسیب را می‌توان طرد نامید. تعداد زیادی از کودکانی که در کارگاه‌ها یا خیابان کار می‌کنند از اتباع کشورهای همسایه‌اند که بسیاری از آنها اهل همین جا هستند، چون در ایران به دنیا آمده‌اند. اگر خانواده‌های این بچه‌ها طرد نمی‌شدند شاید می‌توانستند شرایط بهتری را فراهم کنند. در نظر داشته باشید که طرد شدن معانی مختلفی دارد. گاهی توسط قانون طرد می‌شوند، قانونی که اجازه نمی‌دهد تصدیق رانندگی داشته باشی یا حساب بانکی یا دیده می‌شود که بچه اجازه رفتن به مدرسه را پیدا نمی‌کند. مسأله دیگر این است که ساختار اقتصادی در ایران بسیار نابرابری‌زاست در نتیجه اشتغال هم به‌درستی ایجاد نمی‌شود، از طرف دیگر باید سیاست‌های اجتماعی دولت را تقویت کرد. برای مثال دولت توانایی کار کردن با سازمان‌های غیردولتی را در خودش ایجاد نکرده است. در حالی که این سیاست اجتماعی قرار است کمک کند به فردی که شغل ندارد، از اجتماع کنار نرود، این‌جانب سیاست اجتماعی نمی‌تواند کار را به درستی انجام دهد تا نیروی کار باز تولید شود و دوباره به کار برسد.»

علاءالدینی در پایان صحبت‌هایش از پیشنهاد کردونی، مبنی بر مستند کردن آخرین عملیات صورت گرفته در مورد کودکان کار استقبال کرد: «در پایان هم در حمایت از پیشنهاد دکتر کردونی باید بگویم که ما اطلاعات بسیار کمی داریم، باید از مسائل موجود یک سری گزارش وجود داشته باشد که در مورد آن بحث شود، و گرنه فقط جلسه داشتن و حرف زدن هیچ مسأله‌ای را حل نمی‌کند. نیاز مادر مرحله نخست به توجه به آمار و ارقام شناخت وضع است. مرحله دوم ارزیابی فعالیت‌های آسیب است که انجام می‌شود و برای مسأله کودکان کار، همین اقدام دو ماه گذشته باید مستند بررسی شود.»

در پایان جلسه، الهام فخاری، عضو شورای شهر تهران، زمان را برای بررسی این امر کافی ندانست و گفت: «برای تصمیم‌گیری در مورد کودکان کار و خیابان فراموش نکنیم که بیشترین این کودکان خانواده دارند و کودک یک موجود زنده است و ما نمی‌توانیم به‌مثابه یک شیئی با او برخورد کنیم، برای او تصمیم بگیریم و برنامه‌ریزی کنیم، حرف آنها را خانواده در نظر بگیریم، این مسأله کمک می‌کند که از دید آنها هم به قضیه نگاه کنیم، حرف آنها را هم بشنویم، تا بتوانیم به راهکاری برسیم که آسیب را کم کند و فرصت رشد و زیست سالم شهری را برای آنها فراهم آورد، حتی اگر تهدیدست باشند. یادمان باشد فقر بهانه خوبی برای کاستن از کیفیت زندگی آدم‌ها نیست. در جلسات آینده به این موضوع مفصل‌تر پرداخته خواهد شد و موضوع محوری جلسه آینده در مورد این خواهد بود که چرا سیاست‌های ما در بحث کنترل و کاهش آسیب کافی نیست؟»



عکس: نسیم عظیمی / شهرزند